

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دومنیکو لوسوردو  
برگردان از: خ. طهوری  
فرستنده: علی مشرف  
۰۷ دسمبر ۲۰۱۹



## وقتی نیروهای چپ در صحنه نیستند... ۱۱

### ۲. «استبداد مترقی» در میدان تینان من

حقیقت تصویر مرد جوانی که در مقابل یک تانک ایستاده، تنها لحظه‌ای از باطل کل است. به کمک تروریسم ادراک مستقیم و ایجاد برافروختگی هدف انتشار از این تصویر ممانعت از ایجاد واکنش و طرح سؤال است. اگر مسأله بر سر خشونت‌گریزی و مسالمت‌جویی نبود پس آیا جنبش میدان تینان من واقعاً برای احراز دموکراسی بود؟

بخش زیادی از تظاهرکنندگان با دیده تحسین و علاقه به «ژائوزی یانگ» می‌نگریستند. او قبل از این‌که به صدر رهبری چین ارتقاء پیدا کند، «به خاطر سرکوب آخرین تلاطم‌های چپ رادیکال» در «سی‌چوان» شهرت پیدا کرده بود. در بحران بهار ۱۹۸۹ او خواستار استقرار «اتوریته نوین» پدرسالارانه و فن‌سالارانه بود. او یکی از نمایندگان «دیکتاتوری مترقی» محسوب می‌شد و در بین برخی از محافل چینی و بین‌المللی سیاست‌مدار مورد احترامی بود. بدون شک «ژائو فرد دموکراتی نبود. او در آن سال‌ها کوشش داشت تا با مشت آهنین اقتصاد بازار را برقرار سازد.» او در این شرایط و با وجود ناآرامی‌های آن زمان شانس خود را شناخته بود:

بخش وسیعی از توده‌ها از طرف نیروهای رفرمیست حزب کمونیست چین اجازه انجام تظاهرات گرفته بود و تظاهرکنندگان با خودروها و اتوبوس‌های دولت و کارخانه‌های دولتی و وزارتخانه‌ها به محل تجمع تظاهرات منتقل شده بودند. به همین صورت برای دانشجویان نیز امکانات تدارکاتی از طرف کاربران و شرکت‌های خصوصی نزدیک به «ژائوزی یانگ» فراهم شده بود.»

به تأکید دو نویسنده آمریکایی، «ژائوزی یانگ» را می‌توان به عنوان امریکوفیل‌ترین رهبر چینی در تاریخ معاصر این کشور دانست. ولی او از چه چیز امریکا خوشش می‌آمد؟ آیا علاقه او به آزادی بود و یا بیش‌تر به نئولیبرالیسم خالص،

که به عکس در صدد بود به یک «اتوریتۀ نوین» تبدیل شود و حتی به اقدامات مستبدانه توسل جوید که به محبوبیتش بین دو حزب افزود؟

و ما باز پرسش آخر را دوباره مطرح می‌کنیم: آیا قیام میدان تینان‌من یک واقعه کاملاً چینی و داخلی بود؟ کنفرانسی پاسخ به این سؤال را ممکن ساخت. وقتی چندی پس از این فاجعه، نمایندگان رئیس‌جمهور «بوش پدر» به بیجینگ رفتند تا با «دنگ شیائو پینگ» مذاکره کنند،

دنگ گله کرد که بنا بر تحقیقات حاصله، ایالات متحده آمریکا «عمیقاً» در وقایع میدان تینان‌من «دخالت» داشته است و اضافه کرد: «باید صادقانه بگویم که این امر می‌توانست به جنگ بینجامد.» این سخنان فردی بود که به عمل‌گرایی و اعتدال شهرت داشت و فرضیه‌پرداز «با تجربه‌های» در سیاست بین‌المللی نبود و علاوه بر این، در آن لحظه بسیار علاقه مند بود تا روابط با واشنگتن را احیاء و کشور را از انزوای سیاسی و اقتصادی خارج سازد. و فردی که این ابراز نظر را گزارش می‌کرد نیز یکی از نمایندگان «سیاست عملی» Realpolitik بود که هیچ نیازی به محکوم کردن چنین اتهامات سنگینی در خود احساس نمی‌کرد و اشاره‌ای نیز نکرد که هیأت امریکائی مذاکره با رهبری چین در پاسخ به این اتهامات پولیمیکی صورت داده باشد.

در اینجا نه تنها نظر «دنگ» رد نشد، بلکه برداشت او از واقعیت امروز به طور غیرمستقیم از سوی یک شاهد معتبر، یعنی سفیر وقت آمریکا در چین، مورد تأیید قرار گرفت. او به خاطر می‌آورد که در آن روزها «ده اتاق سفارت صد بار مورد اصابت گلوله ارتش چین قرار گرفته بود» که به زعم رهبری چین در مقابله با یک «تکتیراندازی» که «سرباز یک گروهان در حال عقب‌نشینی را کشته بود، صورت گرفت.» سفیر می‌گفت که در آن زمان فوراً اشاره کرده بود: «فکر می‌کنم چینی‌ها سعی کردند پیامی به ما ارسال کنند.» ممکن است! ولی این چه پیامی بود؟ از این گزارش شاهد عینی ما می‌توانیم به جزئیات بیش‌تری دست یابیم.

در حالی‌که تقابل بین دانشجویان و دولت چین تشدید می‌شد، مستشار نظامی این کشور در بیجینگ «با همکاران خود در سفارت‌های استرالیا و بریتانیا و کانادا و فرانسه و المان و جاپان تماس گرفت» و خواستار همکاری تنگاتنگ آنان شد. با کدام هدف؟

آن‌ها شهر را به منطقه‌های مختلف تقسیم کردند و «اطلاعات حاصله از گشت و گذارهای خود را با یکدیگر مبادله نمودند. در اواخر ماه مه مستشاران نظامی سفارتخانه‌های مختلف به عنوان پاسخی به کاهش بحران در نقاط مختلف شهر ۲۴ پست شنود بر پا کردند. جنرال «جک لاید» مستشار نظامی سفارت آمریکا با دوراندیشی قابل توجهی برای اجاره اتاق‌های هتلی اجازه گرفت، که پس از دریافت مجوز این اتاق‌ها در اختیار کنترل‌کنندگان امریکائی قرار داده شد. به جز یک اتاق در هتل «فوکینگ‌مان» در بخش غربی شهر، دو اتاق مجاور یک دیگر در هتل بیجینگ در شمال شرقی میدان تینان‌من اجاره کردیم که درست مشرف به میدان بود. علاوه بر این، «لاید» مأموران خود را با دستگاه‌های تاکتی واکتی که به طور قاچاق وارد کرده بود، مجهز کرد. این کار نقض پروتکل دیپلماسی بود، زیرا در چین نمایندگان دیپلماتیک مجاز نیستند که از دستگاه‌های ارتباطی خصوصی خود استفاده کنند. ولی با وجود این در این مورد خوشحال بودم.

آیا هدف فعالیت‌های مستشاران مهمترین کشورهای غربی (و هوادار غرب) که به همت دوراندیشی و به دستور غیرقانونی یکی از «مهم‌ترین» جنرال‌ها برای قاچاق دستگاه‌های شنود این بود که فقط بحران را دنبال کنند و یا این‌که هدف آن‌ها تأثیرگذاری روی این بحران بود؟ با استفاده از «احاطه برجسته برخی از اعضای تیم به زبان چینی، تیم دیپلماتیک ما (آمریکا) در بیجینگ روابط نزدیکی با اعضای ارتش و جنبش دانشجویی و طبقه روشنفکران این کشور

برقرار کرده بود» و این روابط سودمندی‌های فراوانی به همراه داشت. (همانجا، ۳۰۶، ۳۱۴) «سودمندی‌های» نامبرده از رابطه با بخش‌هایی از ارتش می‌توانست چه نوع سودمندی‌هایی باشد؟ همان‌طور که از جلد کتاب فوق برمی‌آید نویسنده این مشاهدات عینی «تقریباً سی سال مأمور سیا در توکیو و تایوان و هنگ کنگ و لائوس و بانکوک و کامبوج و بلیجینگ بوده و اوایل دهه ۸۰ به وزارت امور خارجه منتقل گردیده و سلسله مراتب درخشانی را پشت سر نهاده بود.» در این روزها «جین شاپ»<sup>۱</sup>، فرضیه‌پرداز «انقلاب‌های رنگین» نیز در بلیجینگ حضور داشت. آیا این نیز یک تصادف بود؟ و چگونه می‌توان توضیح داد که درست در همان زمان نیز «وینستون لرد»<sup>۲</sup> سفير سابق بلیجینگ و مشاور مهم رئیس‌جمهور بعدی «بیل کلینتن»<sup>۳</sup> از تکرار این‌که «سقوط رژیم کمونیستی در چین در هفته‌ها و ماه‌های آینده اجتناب‌ناپذیر است»، خسته نمی‌شد؟ و جعل «سرتیتر روزنامه خلق» ارگان رسمی حزب کمونیست چین برای چه بود؟ و چه کسی مسؤول چنین عملیات بغرنجی بود که می‌توانست حزب حاکم و دولت را به دو فراکسیون در مقابل هم قرار دهد؟ در این لحظه هشدار دنگ سیائوپینگ که نه از طرف کیسینجر و نه اعضای هیأت نمایندگی امریکا تکذیب شد، یادآور می‌شد که ایالات متحده مسؤول عملیاتی بود، که می‌توانست «به جنگ بینجامد.» آیا این عملیات که از خارج هدایت می‌شد و این هدف را دنبال می‌کرد تا احتمالاً «رهبان هوادر ایالات متحده امریکا» را به قدرت برساند، کسانی که آماده بودند نوعی «دیکتاتوری مترقی» با شاخ و برگ نئولیبرالی را برقرار سازند، چیزی جز یک کودتا نبود؟ با نگاه به گذشته، وقایع اتفاقیه در میدان تینان‌من در سال ۱۹۸۹ تمرین نهایی برای کودتاهایی بود که قرار بود به عنوان «انقلاب‌های رنگین» در سال‌های بعد به اجرا درآید.

برای مطالعه این اثر ارزنده به این نشانی مراجعه کنید:

<http://www.edalat.org/ketabkhaneh/VaqtiNirouhayehChapDarSahnehNistand.pdf>